

Financial Statements Comparability and Real Earnings Management

* Z. Hajiha

Department of Accounting, Islamic Azad University, East Tehran Branch, Tehran, Iran

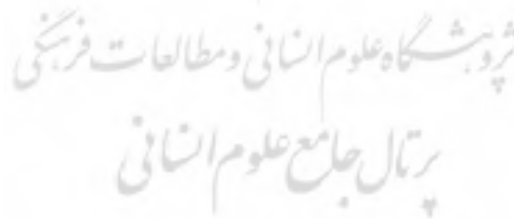
H Chenari

Young Researchers and Elite Club, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

The aim of this study is investigation into the effect of financial statements comparability on real earnings management in the listed companies on Tehran Stock Exchange. Required data were collected from the financial statements of 80 firms during 1390-1394. To examine the hypotheses, we used multivariate regression with pooled data. Comparability of financial statements is calculated based on Di Franco et al. (2011). Real earnings management is calculated based on developed model by Dechow et al (1998) and Chowdhury (2006). The results revealed that there is positive and significant relationship between financial statements comparability and real earnings management criteria (unusual operating cash flow, abnormal production costs and optional extraordinary costs). In other words, with increasing the comparability of financial statements, managers' tendency to real earnings management would be increased to present a desirable of their current performance by manipulating real activities such as overproduction and abnormal increase in sales volume.

Keywords: Financial Statements Comparability, Real Earnings Management, Abnormal Production Costs



پژوهش‌های حسابداری مالی
سال نهم، شماره دوم، پیاپی (۳۲)، پاییز ۱۳۹۶
تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۱/۲۹
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۲۲
صص: ۴۸-۳۳

قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود واقعی

زهره حاجیها^{۱*}، حسن چناری^{**}

* دانشیار گروه آموزشی حسابداری، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

zhajiha@qdiau.ac.ir

** باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ha_chenari@yahoo.com

چکیده

هدف این پژوهش مطالعه تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با مدیریت سود واقعی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. اطلاعات لازم برای این پژوهش از صورت‌های مالی ۸۰ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۰ گردآوری شده است. برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون چندمتغیره با داده‌های ترکیبی استفاده شده است. در راستای هدف پژوهش برای محاسبه متغیر قابلیت مقایسه از مدل دی‌فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) و برای محاسبه مدیریت سود واقعی از مدل توسعه‌یافته دچو و همکاران (۱۹۹۸) استفاده شد، مشابه آنچه در پژوهش روی چودهاری (۲۰۰۶) بود. یافته‌های حاصل از پژوهش بیانگر این است که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر معیارهای مدیریت سود واقعی (جریان غیرعادی وجوه نقد عملیاتی، هزینه‌های غیرعادی تولید، هزینه‌های غیرعادی اختیاری) تأثیر مستقیم و معنادار دارد. به عبارتی، با افزایش قابلیت مقایسه، تمایل مدیران به مدیریت سود واقعی در راستای ارائه مطلوب عملکرد جاری خود با دستکاری فعالیت‌های واقعی مانند تولید بیش از اندازه و افزایش غیرعادی حجم فروش افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، مدیریت سود واقعی، هزینه‌های غیرعادی تولید

می‌دهد [۱۹]. برخلاف مفهوم قابلیت اتکا که تمرکز

مقدمه

بر روی پیش‌بینی یا تأییدپذیری اطلاعات مالی است،
قابلیت مقایسه این امکان را برای استفاده‌کنندگان

قابلیت مقایسه، یکی از ویژگی‌های کیفی منحصر
به‌فرد اطلاعات مالی است که مفیدبودن آن را افزایش

۱- نشانی مکاتباتی نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، دانشکده علوم انسانی، گروه آموزشی حسابداری

افزایش سود می‌تواند سودهای گزارش شده را از طریق تعدیل فعالیت‌های واقعی دستکاری کنند. به‌ویژه آنها می‌توانند زمان و مقیاس فعالیت‌های واقعی را تغییر دهند، مانند فروش، تولید، سرمایه‌گذاری و تأمین منابع مالی از طریق دوره حسابداری به نحوی که سود هدف قابل شناسایی باشد. برای مثال سودهای گزارش شده را از طریق تسریع در زمان تولید و طرح و برنامه فروش، حذف هزینه‌های اختیاری و به‌تعمیق انداختن زمان وقوع آنها می‌توان به‌طور موقت افزایش داد. پیرو روی چادهاری [۳۱] مدیریت عملیات واقعی فعالیت‌هایی هستند که انحراف از شیوه‌های عادی کسب و کار را با هدف دستکاری سودهای جاری، مدیریت سودهای واقعی در نظر می‌گیرند. برخلاف مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی، مدیریت سود واقعی، پیامدهای مستقیمی بر جریان‌های نقدی جاری و آتی دارد (همچنین اقلام تعهدی). برای متوسط سرمایه‌گذاران درک این بحث مشکل است و کمتر در معرض نظارت‌های گسترده، رسیدگی حسابرسان، بازرسان و سایر سهامداران برون‌سازمانی قرار می‌گیرد [۱۲]. در چارچوب مفهومی گزارشگری مالی، هیأت استانداردهای حسابداری مالی^۲ (۲۰۱۰) و هیأت استانداردهای حسابداری بین‌المللی^۳ (۲۰۱۰) بیان کرده‌اند، قابلیت مقایسه، ویژگی کیفی اطلاعات مالی است که

فراهم می‌آورد تا شباهت‌ها و تفاوت‌های عملکرد مالی شرکت‌ها را شناسایی کنند؛ بنابراین، ویژگی کیفی اطلاعات مالی (قابلیت مقایسه) در بازار سرمایه و بدهی برای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان بسیار حایز اهمیت است؛ زیرا تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و وام‌دهی بر ارزیابی فرصت‌ها یا پروژه‌های جایگزین مبتنی است و بدون وجود این اطلاعات قابل مقایسه نمی‌توان اقدام به اتخاذ تصمیم بهینه کرد [۲۶]. هدف از مدیریت سود نشان‌دادن کیفیت سود به نحوی است که انتظارات سهامداران و ارائه‌کنندگان برآورده شود [۲۸]. وقتی مدیریت شرکت اقدام به دستکاری سود می‌کند، اقلام تعهدی افزایش و سود بر جریان نقدی نیز فزونی می‌یابد و با افزایش فاصله سود و جریان نقدی از کیفیت سود کاسته می‌شود [۳۰]. بسیاری از پژوهش‌ها تأثیر پذیرش استاندارد حسابداری مشابه (مانند استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی^۱) را بر قابلیت مقایسه تعداد زیادی از شرکت‌ها در کشورهای مختلف بررسی کرده‌اند [۸، ۲۷، ۱۵]. پژوهشگران همچنین به‌طور گسترده تأثیر قابلیت مقایسه حسابداری را بر اقلام مختلف مانند افشای اختیاری مدیریت، گسترش پوشش بیمه تحلیلگران و خاصه پیش‌بینی و ساختار پرتفولیوی سرمایه‌گذاران نهادی را بررسی کرده‌اند [۲۱، ۲۴، ۱۶، ۱۷].

سود گزارش شده در دوره جاری را می‌توان به دو طریق مختلف مدیریت کرد. ابتدا مدیران می‌توانند سود گزارش شده را از طریق انتخاب اقلام تعهدی اختیاری در محدوده اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری دستکاری کنند. این مدیریت سود بر مبنای

^۲. Financial Accounting Standards Board

^۳. International Accounting Standards Board

^۱. International Financial Reporting Standards

می‌دهند [۱۸، ۱۲، ۱۳]. تاکنون پژوهشی در ایران به بررسی این موضوع پرداخته است که چطور فعالیت‌های مدیران در راستای استفاده از فرصت‌های موجود برای مدیریت سود متأثر از میزان قابلیت مقایسه صورت‌های مالی است. از این‌رو، در این مقاله تأثیر قابلیت مقایسه برای شرکت‌هایی که طبق اصول پذیرفته‌شده حسابداری اقدام به تهیه صورت‌های مالی می‌کنند، بر مدیریت سود واقعی مدیران مطالعه و بررسی می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

چارچوب نظری گسترده‌ای درباره بررسی تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر ویژگی‌های کیفیت حسابداری و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی مطرح است. بارث و همکاران [۸] به بررسی ارتباط استانداردهای حسابداری بین‌المللی و افزایش کیفیت حسابداری پرداختند. هدف انعکاس تأثیر مشخصه‌های استانداردهای فوق در راستای سیستم گزارشگری مالی، تفسیر آنها، الزامات و دعاوی حقوقی است. یافته‌های پژوهش در گزارشی به این صورت مطرح شد که در شرکت‌های متمایل به پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دستکاری و مدیریت سود کاهش می‌یابد و در نتیجه مقادیر اطلاعات مربوط و به‌هنگام نسبت به شرکت‌های غیرمتمایل به پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی افزایش می‌یابد. داسکه و همکاران [۱۴] به بررسی پیامدهای اقتصادی پذیرش الزامی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی پرداختند. آنها تأثیر نقدشوندگی بازار، هزینه حقوق صاحبان سهام و کیو توبین در ۲۶ کشور و نمونه بزرگی از شرکت‌ها را تجزیه و تحلیل کردند که به صورت الزامی به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی

استفاده‌کنندگان را در تشخیص و درک تشابهات و تفاوت‌های اقلام موجود قادر می‌سازد. با وجود این، واقعیت است که قابلیت مقایسه حسابداری یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کیفی است، به‌رغم تأکید بر اهمیت ویژگی کیفی قابلیت مقایسه به‌وسیله نهادهای سیاست‌گذار، پژوهش‌ها و مطالعه‌های نسبتاً کمی صورت پذیرفته است و شواهد مربوط به آن کم است [۳۲]. یک دلیل این است که مفهومی نسبی یا تطبیقی است، معیاری مطلق یا مستقل مانند سایر ویژگی‌های حسابداری نیست. پژوهش‌های قبلی انجام‌شده در رابطه با قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بیانگر این است که ویژگی کیفی مربوطه منجر به کاهش هزینه‌های استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی برای تحصیل و تحلیل می‌شود و افزایش کیفیت اطلاعات مالی منتشرشده را در پی دارد [۱۶، ۱۵، ۱۰، ۲۵، ۱۱]. به‌طور نمونه، کیم و همکاران [۲۵] با توجه به نتایج حاصل از پژوهش خود مطرح کردند امکان شناسایی و ارزیابی عملکرد شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاران با قابل مقایسه بودن صورت‌های مالی تسهیل می‌شود؛ زیرا موقع ارزیابی و مقایسه عملکرد یک شرکت با عملکرد سایر شرکت‌ها به محاسبات و تحلیل‌های اندکی نیاز پیدا می‌کنند. یافته‌های حاصل از پژوهش دی‌فرانکو و همکاران [۱۶] نشان می‌دهد قابلیت مقایسه به انتقال اطلاعات در میان شرکت‌های مشابه کمک می‌کند؛ طوری که سرمایه‌گذاران یافته‌های واضح و مشخص‌تری درباره شباهت‌ها و تفاوت‌های اقتصادی بنگاه‌ها به‌دست می‌آورند.

انتظار بر این است که بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود واقعی ارتباطی مستقیم برقرار باشد [۳۴]. طبق پژوهش‌های پیشین، شرکت‌ها برای دستیابی به اهداف سود مدنظرشان مدیریت سود را از اقلام تعهدی به واقعی تغییر

بعد از پذیرش اختیاری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی شرکت‌هایی که از این استانداردها استفاده می‌کنند، قابلیت مقایسه بیشتری با هم داشتند و افزایش قابلیت مقایسه منجر به افزایش اطلاعات در سطح خاص شرکت‌ها، افزایش نقدشوندگی بازار سرمایه و افزایش حجم معاملات سهام شده است. همچنین، یافته‌ها منطبق با نظر کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده مبتنی بر سودمندی قابلیت مقایسه در بورس اوراق بهادار است. سوهن [۳۴] به بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی پرداخت. یافته‌های حاصل از پژوهش بیانگر ارتباطی معکوس و معنادار بین قابلیت مقایسه و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و ارتباطی مستقیم و معنادار بین قابلیت مقایسه و مدیریت سود واقعی است. رهنمای رودپشتی و همکاران [۵] به بررسی سبک حسابرس و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۸۰ با استفاده از روش همبستگی و رگرسیون چندمتغیره و تحلیل رگرسیون در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد سبک حسابرس بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی مؤثر است و برای دستیابی به قابلیت مقایسه، علاوه بر نیاز به وجود استانداردهای حسابداری یکنواخت، حسابرسان نیز دارای نقش با اهمیتی هستند. مهرورز و مرفوع [۷] رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با آگاهی‌بخشی قیمت سهام در خصوص سودهای آتی و همچنین نقش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در انعکاس اطلاعات سودهای آتی خاص شرکت و اطلاعات سودهای آتی مربوط به صنعت در قیمت سهام دوره جاری را

گزارشگری مالی را پذیرفته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد با پذیرش پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به وسیله شرکت‌ها، معیارهای نقدشوندگی بازار و کیو تو بین افزایش و هزینه حقوق صاحبان سهام کاهش می‌یابد. هریس و مولر [۲۲] به بررسی ارزش سودهای بازار و مقادیر ارزش دفتری تحت استانداردهای حسابداری بین‌المللی و اصول عمومی پذیرفته‌شده حسابداری در ایالات متحده پرداختند. یافته‌های حاصل از پژوهش، شواهدی را مبنی بر افزایش سودهای منطبق با اصول عمومی پذیرفته‌شده حسابداری، ارزش دفتری و در نهایت مربوط بودن با پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ارائه کردند. دی فرانکو و همکاران [۱۶] در پژوهشی به بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر سطح تحلیل و پیش‌بینی پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و سطح تحلیل‌ها و بهبود دقت پیش‌بینی ارتباطی مستقیم و معنادار وجود دارد؛ به طوری که افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی منتهی به افزایش سطح تحلیل‌ها و بهبود دقت پیش‌بینی می‌شود و از میزان پراکنش پیش‌بینی‌ها می‌کاهد. گونگ و همکاران [۲۱] به بررسی تأثیر قابلیت مقایسه بر افشا پرداختند و به این نتیجه رسیدند که امکان مدیریت سود زمانی افزایش می‌یابد که سودهای پیش‌بینی‌شده شرکت در مقایسه با سودهای پیش‌بینی‌شده سایر شرکت‌ها کمتر باشد. بارث و همکاران [۹] در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر به‌کارگیری اختیاری استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و سودمندی و مفید بودن بورس اوراق بهادار در ایالات متحده پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد

ویژگی‌های گزارشگری مالی است که کمیت و کیفیت اطلاعات در دسترس را برای سرمایه‌گذاران ارتقا می‌دهد و این امکان را برای آنها فراهم می‌کند که عملکرد شرکت فعلی و آتی شرکت را ارزیابی کنند و به اتخاذ تصمیم‌های منطقی بپردازند [۱۶]؛ بنابراین، با افزایش ویژگی قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری، توانایی سرمایه‌گذاران برای برآورد سودهای آتی از طریق ارزیابی عملکرد فعلی افزایش می‌یابد [۱] و میزان اتکای آنان به عملکرد جاری بیش از پیش می‌شود؛ در این حال، مدیران تمایل بیشتری به گزارش مطلوب عملکرد فعلی می‌یابند. یکی از ابزارهای مدیران برای ارائه گزارش از وضعیت مطلوب شرکت، دستکاری و مدیریت سود است؛ از این رو انتظار می‌رود با افزایش قابلیت مقایسه، مدیریت سود نیز افزایش یابد.

کوهن و همکاران [۱۲] تأثیر قانون ساربینز آکسلی را در انتخاب مدیریت برای شیوه مدیریت سود از بین مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی بررسی کردند. آنها به این نتیجه رسیدند که شرکت‌ها بعد از قانون ساربینز آکسلی متمایل به مدیریت سود واقعی هستند. به دلیل اینکه تشخیص دستکاری سودی که مدیریت به طریق مدیریت سود واقعی انجام داده است، برای حسابرسان، بازرسان، ناظران و ذی‌نفعان در مقایسه با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی سخت‌تر است، پس به طور خاص مدیریت سود واقعی افزایش می‌یابد [۳]. علاوه بر این، هزینه‌های مورد انتظار تعهدات قانونی مرتبط با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی به طور معناداری افزایش می‌یابد. به طور کلی، مدیریت سود واقعی برای مدیران هزینه‌های کمتری را تحمیل می‌کند. با توجه به مباحث مطرح‌شده انتظار بر این است که با افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، تمایل

مطالعه و بررسی کردند. بر اساس نتایج پژوهش، بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و آگاهی‌بخشی قیمت سهام ارتباطی مثبت وجود ندارد و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به انعکاس اطلاعات سودهای آتی مربوط به صنعت و انعکاس اطلاعات سودهای آتی خاص شرکت در قیمت سهام دوره جاری کمک نمی‌کند.

فرضیه‌های پژوهش

روی‌چادهاری [۳۱] مدل‌های تجربی را گسترش داد که به پژوهشگران اجازه می‌داد سطوح فعالیت‌های عملیاتی واقعی را همانند انعکاس آن در جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی، هزینه‌های تولید و هزینه‌های اختیاری تفکیک کنند. نتایج پژوهش وی نشان داد مدیران شرکت در دستکاری فعالیت‌های واقعی برای دستیابی به اهداف سود اقدام می‌کنند. با توجه به پژوهش روی‌چادهاری مطالعات بعدی در ارتباط با مدیریت سود واقعی شواهدی را در پشتیبانی از روی‌چادهاری فراهم کردند که انتظار بر این است سطح نرمال فعالیت‌های واقعی با تصمیم‌گیری‌های عملیاتی مطلوب همراه است. همچنین پژوهش‌هایی انجام شد در رابطه با اینکه آیا مدیران مدیریت سود واقعی را جایگزین یا مکملی برای مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی برای اتخاذ تصمیم‌های راهبردی تلقی می‌کنند. برای نمونه ژانگ [۳۵] در پژوهشی به بررسی جایگزینی بین مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی پرداخت. یافته‌های حاصل از پژوهش بیان کرد مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی افزایش (یا کاهش) می‌یابد، زمانی که هزینه مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی افزایش یابد (مثلاً افزایش کیفیت حسابرسی). قابلیت مقایسه یکی از

پژوهش از راه کتابخانه‌ای، مجلات و سایر سایت‌های معتبر در قالب قیاسی، و گردآوری داده‌ها برای تأیید و رد فرضیه‌ها از راه استقرایی انجام می‌شود. به دلیل نوع داده‌های مورد مطالعه، مقایسه همزمان داده‌های مقطعی و طولی از روش الگوهای داده‌های تابلویی برای برآورد ضرایب و آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش در برگیرنده کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. دوره زمانی پژوهش از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ در نظر گرفته شده است. همچنین، در این پژوهش نمونه‌ای به حجم ۸۰ شرکت براساس معیارهای زیر از جامعه آماری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شد: الف) با توجه به دوره زمانی دسترسی به اطلاعات (۱۳۹۰-۱۳۹۴)، شرکت قبل از سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد و نام آن تا پایان سال ۱۳۹۴ از فهرست شرکت‌های یادشده حذف نشده باشد؛ ب) به منظور افزایش توان هم‌سنجی و همسان‌سازی شرایط شرکت‌های انتخابی، سال مالی شرکت‌ها باید به پایان اسفندماه هر سال منتهی شود؛ پ) به دلیل شفاف‌نبودن مرزبندی بین فعالیت‌های عملیاتی و تأمین مالی شرکت‌های مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی و ...)، این شرکت‌ها از نمونه حذف شده‌اند؛ ت) شرکت‌ها نباید توقف فعالیت داشته و دوره فعالیت خود را تغییر داده باشند؛ ث) از آنجایی که متغیر مستقل و وابسته پژوهش در سطح صنعت تعریف و محاسبه شده است، پس از اعمال شرایط یادشده صناعی در نظر گرفته شدند که حداقل ۶ تا ۸ مشاهده در سال داشتند. شرکت‌ها عمدتاً از صنایع فراورده نفتی، فلزات اساسی، خودرو، ماشین‌آلات،

مدیران به فعالیت در زمینه مدیریت سود واقعی افزایش خواهد یافت. همچنین، بر خلاف مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، با افزایش قابلیت مقایسه‌پذیری آشکارشدن مدیریت سود واقعی کمتر آشکار و شفاف خواهد شد؛ زیرا مدیریت سود واقعی از طریق فعالیت‌های واقعی مانند بهای فروش، شرایط اعتباری، میزان تولیدات و هزینه‌های پژوهش و توسعه نسبت به ارقام تعهدی حسابداری انجام می‌گیرد. همچنین، دستکاری فعالیت‌های واقعی، انحراف از روش‌های عملیات عادی است و یکی از انگیزه‌های مدیران از انجام آن گمراه کردن گروه‌های ذی‌نفع است، به‌صورتی که باور کنند اهداف گزارشگری مالی از طریق فعالیت‌های عادی محقق شده است (طوری‌که به‌طور مستقیم بر کیفیت حسابداری تأثیر می‌گذارد). با توجه به مبانی نظری مطرح‌شده، فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

فرضیه ۱: قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر جریان غیرعادی وجوه نقدی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی که معیاری از مدیریت سود واقعی است، تأثیر مستقیم دارد.

فرضیه ۲: قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر هزینه‌های غیرعادی تولید که معیاری از مدیریت سود واقعی است، تأثیر مستقیم دارد.

فرضیه ۳: قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر هزینه‌های غیرعادی اختیاری که معیاری از مدیریت سود واقعی است، تأثیر مستقیم دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی از نوع علی و از نظر هدف کاربردی است. انجام پژوهش در چارچوب استدلال‌های قیاسی - استقرایی صورت می‌پذیرد؛ بدین معنی که مبانی نظری و پیشینه

چنین تخفیفات و شرایط اعتباری آسانی به‌طور موقت، مقادیر فروش را افزایش می‌دهد؛ اما این راه‌کارها به احتمال زیاد دوام چندانی ندارد و شرکت به قیمت‌های قبلی خود باز می‌گردد. با فرض اینکه حاشیه فروش مثبت باشد، فروش اضافی منجر به افزایش سود دوره جاری خواهد شد؛ اگرچه هم تخفیفات و هم شرایط اعتباری آسان، کاهش در جریان وجوه نقد را در دوره جاری در پی خواهد داشت.

ب- کاهش بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته از طریق افزایش تولید

مدیران می‌توانند تولید را به میزانی بیش از حد نیاز افزایش دهند و از این طریق منجر به افزایش سود شوند. زمانی که مدیران تعداد واحدهای بیشتری را تولید می‌کنند، قادرند هزینه‌های سربار ثابت را بر روی تعداد بیشتری از واحدهای تولیدی سرشکن کنند و در نتیجه باعث شوند هزینه‌های ثابت هر واحد کاهش یابد. مادامی که کاهش در هزینه‌های ثابت هر واحد به وسیله هیچگونه افزایش در هزینه نهایی هر واحد خنثی نشود، کل هزینه به ازای هر واحد کاهش می‌یابد. این امر منجر به کاهش بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته می‌شود و شرکت حاشیه عملیاتی بالاتری را گزارش می‌کند. اگرچه شرکت باز هم تولیدات و هزینه‌های نگهداری دیگری را متحمل می‌شود که منجر به افزایش نسبت هزینه‌های تولید سالیانه به فروش و کاهش جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی در مقایسه با سطح فروش ارائه شده می‌شود.

پ- کاهش در هزینه‌های اختیاری مانند هزینه تبلیغات، پژوهش و توسعه و هزینه‌های اداری، عمومی و فروش

صنایع غذایی، مواد دارویی، کاشی و سرامیک، سیمان، محصولات شیمیایی، کانی غیرفلزی انتخاب شوند که بیشترین حضور و فعالیت را دارند.

در این پژوهش مدیریت واقعی سود، متغیر وابسته است. برای به‌دست‌آوردن مدیریت واقعی سود، روش روی چودهای [۳۱] به کار گرفته شد. افزایش مدیریت واقعی سود یکی از نتایج بالقوه وضع قوانین بیشتر و سختگیرانه است؛ زیرا وجود نظارت بیشتر و مقررات صریح و محکم، موجب محدود شدن مدیریت اقلام تعهدی می‌شود و تمایل به استفاده از مدیریت واقعی سود که احتمال کشف آن کمتر است، افزایش می‌یابد [۱۸]. شناسایی مدیریت واقعی سود و قضاوت و اظهارنظر درباره آن برای اشخاص خارج از واحد تجاری مشکل‌تر نیز است [۱]؛ بنابراین، انتظار می‌رود در دوره پس از تصویب قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴، مدیران به سوی مدیریت واقعی سود گرایش پیدا کنند و از این رو مدیریت واقعی سود پس از این قانون افزایش یافته باشد [۱]؛ بنابراین، مشابه پژوهش روی چودهای [۳۱]، در پژوهش حاضر نیز به منظور مطالعه سطح هموارسازی فعالیت‌های واقعی سه معیار در نظر گرفته و برآورد شد که شامل سطح غیرعادی جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی، سطح غیرعادی هزینه‌های اختیاری و سطح غیرعادی هزینه‌های تولید است. در پژوهش‌های صورت‌گرفته بعد از روی چودهای [۳۱]، لین و همکاران [۲۹] نیز شواهدی در حمایت از اعتبار این معیارها ارائه کرده‌اند. پژوهش حاضر بر سه روش هموارسازی به شرح زیر و تأثیر آنها بر سه متغیر مذکور تمرکز کرده است [۴]:

الف- تسریع در زمان‌بندی فروش از طریق اعطای تخفیف بیشتر یا شرایط اعتباری آسان‌تر

همچنین، در پژوهش حاضر رشد موجودی مواد و کالا، تابعی خطی از تغییرات همزمان و همچنین، تغییرات با تأخیر فروش به شرح رابطه (۳) در نظر گرفته شد.

$$NV/A_{it-1} = K_0 + K_1(1/A_{it-1}) + K_2(\text{Sale}_{it}/A_{it-1}) + K_2(\text{Sale}_{it-1}/A_{it-1}) + it \quad \text{رابطه (۳)}$$

با استفاده از رابطه‌های (۲) و (۳) سطح عادی هزینه‌های تولید به صورت رابطه (۴) برآورد شد:

$$\text{Prod Cost}_{it}/A_{it-1} = K_0 + K_1(1/A_{it-1}) + K_2(\text{Sale}_{it}/A_{it-1}) + K_2(\text{Sale}_{it-1}/A_{it-1}) + it \quad \text{رابطه (۴)}$$

سطح عادی هزینه‌های اختیاری نیز به صورت یک تابع خطی از فروش به صورت رابطه (۵) در نظر گرفته شد:

$$\text{Disc Exp}_{it}/A_{it-1} = K_0 + K_1(1/A_{it-1}) + K_2(\text{Sale}_{it-1}/A_{it-1}) + K_2(\text{Sale}_{it}/A_{it-1}) + K_2(\text{Sale}_{it-1}/A_{it-1}) + it \quad \text{رابطه (۵)}$$

معیار سنجش مدیریت سود واقعی با توجه به اندازه نهایی میزان اعمال مدیریت سود واقعی از طریق مقادیر خطای هر یک از مدل‌های یادشده محاسبه می‌شود. مقادیر خطا ممکن است مثبت و یا منفی باشند.

متغیر مستقل در این پژوهش، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی است. استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی باید بتوانند صورت‌های مالی واحد تجاری را طی زمان برای تشخیص روند تغییرات در وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری مقایسه کنند. استفاده‌کنندگان همچنین باید بتوانند صورت‌های مالی واحد تجاری را مقایسه کنند تا وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی آنها را نسبت به یکدیگر بسنجند. بدین ترتیب، ضرورت دارد اثرات معاملات و سایر رویدادهای مشابه در داخل واحد تجاری و در طول

کاهش چنین هزینه‌هایی، سود دوره جاری را افزایش خواهد داد. همچنین، اگر شرکت عموماً چنین هزینه‌هایی را به‌طور نقد پرداخت کند، این روش افزایش جریان وجوه نقد را با ریسک جریان وجوه نقد آتی کمتر نیز در دوره جاری در پی دارد. به این معنی که ممکن است بر اثر کاهش این هزینه‌ها، جریان وجوه نقد آتی شرکت نیز دچار کاهش شود.

در این پژوهش ابتدا سطوح عادی جریان وجوه نقدی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی، هزینه‌های اختیاری و هزینه‌های تولید با استفاده از مدل توسعه‌یافته دجو و همکاران (۱۹۹۸) محاسبه شد، مشابه آنچه در پژوهش روی چودهاری (۲۰۰۶) انجام شده است. در پژوهش فوق، جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی، تابعی خطی از فروش و تغییرات آن تعریف می‌شود. برای برآورد این مدل، رگرسیون مقطعی زیر به شرح رابطه (۱) برای سال شرکت به‌کار گرفته شد:

$$CFO_{it}/A_{it-1} = K_0 + K_1(1/A_{it-1}) + K_2(\text{Sale}_{it}/A_{it-1}) + K_3(\text{Sale}_{it}/A_{it-1}) + it \quad \text{رابطه (۱)}$$

جریان غیرعادی وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی برابر است با جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی منهای سطح عادی جریان وجوه نقد عملیاتی که با استفاده از ضرایب رابطه (۱) محاسبه می‌شود.

هزینه‌های تولید به‌عنوان مجموع بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته و تغییر در موجودی مواد و کالا طی سال تعریف می‌شود. در این پژوهش بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته تابعی خطی از فروش همان دوره در نظر گرفته شد.

$$COGS_{it}/A_{it-1} = K_0 + K_1(1/A_{it-1}) + K_2(\text{Sale}_{it}/A_{it-1}) + it \quad \text{رابطه (۲)}$$

مقایسه (ارائه گزارش‌های مشابه درباره مجموعه‌ای از رویدادهای مشابه) استفاده می‌شود. از این‌رو، در هر سال از طریق رابطه‌های زیر سود شرکت i به‌طور جداگانه یک‌بار با ضرایب خود شرکت i و یک‌بار با ضرایب شرکت j با بازده شرکت i (رویداد مشابه) برای دوره زمانی مشابه با دوره زمانی رابطه قبلی پیش‌بینی می‌شود.

$$E(\text{Earning})_{ik} = i + i\text{Return}_{ik} \quad (7) \text{ رابطه}$$

$$E(\text{Earning})_{ijk} = j + j\text{Return}_{ik} \quad (8) \text{ رابطه}$$

در این رابطه‌ها $E(\text{Earning})_{ik}$ سود پیش‌بینی شده برای شرکت i و سال k با استفاده از ضرایب شرکت i و $E(\text{Earning})_{ijk}$ سود پیش‌بینی شده برای شرکت i و سال k با استفاده از ضرایب شرکت j سپس قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j در سال t از طریق فرمول زیر محاسبه می‌شود.

$$\text{ComAccijt} = -\frac{1}{4} \sum_{k=3}^k \{E(\text{Earning})_{iik} - E(\text{Earning})_{ijk}\} \quad (9) \text{ رابطه}$$

به بیانی دیگر، معیار سنجش قابلیت مقایسه به این صورت است که ابتدا برای شرکت i و شرکت j سود تعدیل شده از طریق نسبت سود خالص بر ارزش بازار برای چهار سال محاسبه می‌شود. سپس از طریق تخمین رگرسیون مقدار ثابت و ضریب زاویه محاسبه شده و سپس اقدام به محاسبه سود پیش‌بینی شده می‌شود. در نهایت، سودهای پیش‌بینی شده برای شرکت i و شرکت j از هم کسر شده و با توجه به اینکه سال‌های t الی $t-3$ در نظر گرفته شده است، عدد به‌دست آمده تقسیم بر ۴ می‌شود و بدین ترتیب، معیار قابلیت مقایسه برای دو شرکت مذکور محاسبه می‌شود.

متغیرهای کنترلی پژوهش به پیروی از پژوهش سوهن [۳۴] عبارت‌اند از:
اندازه شرکت: از طریق لگاریتم طبیعی کل فروش محاسبه می‌شود.

زمان برای آن واحد تجاری با ثبات رویه اندازه‌گیری و ارائه شود و بین واحدهای تجاری مختلف نیز هماهنگی رویه در باب اندازه‌گیری و ارائه موضوع‌های مشابه رعایت شود [۶].

دی‌فرانکو و همکاران [۱۶] دو تعریف از قابلیت مقایسه صورت‌های مالی ارائه کرده‌اند [۵]:

الف- دو شرکت سامانه حسابداری قابل مقایسه دارند، چنانچه برای مجموعه‌ای مفروض از رویدادهای اقتصادی، صورت‌های مالی مشابهی تهیه کنند.

ب- شرکت‌هایی با رویدادهای اقتصادی همبسته و حسابداری مشابه برای این رویدادها، صورت‌های مالی همبسته‌ای در طول زمان خواهند داشت.

برای اندازه‌گیری آن از مدل دی‌فرانکو و همکاران [۱۶] استفاده می‌شود. در این مدل، دو شرکت زمانی مشابه در نظر گرفته می‌شوند که برای مجموعه‌ای از رویدادهای اقتصادی یکسان مانند بازده، گزارش مالی مانند سود حسابداری مشابهی ارائه کرده باشند. برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j ابتدا برای هر شرکت $^{\circ}$ سال مدل رگرسیونی به شرح رابطه (۶) زیر با استفاده از داده‌های سالیانه برای دوره چهارساله اخیر منتهی به پایان سال t برآورد می‌شود.

$$\text{Earnings}_{ik} = i + i\text{Return}_{ik} + i_k \quad (6) \text{ رابطه}$$

که در آن Earning_{ik} سود خالص شرکت i در سال k تقسیم بر ارزش بازار سهام شرکت در ابتدای سال و Return_{ik} بازده سهام شرکت i در سال k است.

ضرایب برآورد شده از رابطه فوق برای هر شرکت $^{\circ}$ سال، معیاری از عملیات حسابداری آن شرکت است. یعنی i و i نشان‌دهنده عملیات حسابداری شرکت i و ضرایب j و j معرف عملیات حسابداری شرکت j است. شباهت بین عملیات حسابداری دو شرکت، میزان قابلیت مقایسه دو شرکت i و j از مفهوم قابلیت

اهرم مالی: از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود. فعالیت کند، از عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر استفاده می‌کنیم.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی داده‌های پژوهش از جمله میانگین به‌عنوان معیار مرکزی و انحراف معیار، چولگی و کشیدگی به‌عنوان معیار پراکندگی در نگاره ۱ ارائه می‌شود:

نرخ بازده دارایی: از نسبت سود خالص به کل دارایی محاسبه می‌شود. کیفیت حسابرسی: اگر سازمان حسابرسی، عهده‌دار انجام خدمات حسابرسی باشد، عدد ۱ در غیر این صورت عدد صفر استفاده می‌شود. نوع صنعت: در صورتی که شرکت در طبقه صنایع غذایی، ماشین‌آلات و خودرو، صنایع شیمیایی و معادن

نگاره ۱. توصیف داده‌های پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی
جریان غیرعادی وجوه نقد عملیاتی	R-CFO	۰/۰۳۸۳۷۳	۰/۱۷۷۷۱	۰/۰۳۲	۰/۲۲۴	۱/۷۵۷
هزینه‌های غیرعادی تولید	R-Prode	-۰/۰۶۶۵۵۷	۰/۲۰۵۵۷	۰/۰۴۲	۰/۳۱۹	۱/۴۷۴
هزینه‌های غیرعادی اختیاری	R-Dix	-۰/۰۱۲۳۵۱	۰/۰۳۶۷۳۴	۰/۰۰۱	۱/۲۳۴	۱/۳۴۱
قابلیت مقایسه	Comparability	-۰/۲۳۰۰۲۷	۰/۰۶۵۱۷۹	۰/۰۰۴	۱/۰۸۰	۱/۶۲۵
اندازه شرکت	Size	۱۳/۷۳۳۳۲	۱/۴۳۴۳۳	۲/۰۵۷	۰/۲۳۶	۰/۳۰۹
اهرم مالی	Leverage	۰/۵۶۵۵۲۳	۰/۱۹۶۲۳	۰/۰۳۹	-۰/۳۳۰	-۰/۳۵۹
نرخ بازده دارایی	ROA	۰/۱۵۰۲۰۷	۰/۱۴۰۹۴	۰/۰۲۰	۰/۴۵۰	۱/۰۷۴
کیفیت حسابرسی	Audit Quality	۰/۲۵۹۲۵۹	۰/۴۳۸۷۷۰۲	۰/۱۹۳	۱/۱۰۳	-۰/۷۸۸
نوع صنعت	Industry	۰/۵۴۳۲۱۰	۰/۴۹۸۷۴۵۵	۰/۲۴۹	-۰/۱۷۴	-۱/۹۷۹

منبع: یافته‌های پژوهش

بررسی میزان چولگی و کشیدگی هر یک از متغیرها و مقایسه آن با توزیع نرمال نشان می‌دهد کلیه متغیرهای پژوهش به‌صورت نرمال توزیع شده‌اند. پژوهش به شرح زیر است:

نگاره ۲. یافته‌های حاصل از آزمون مانایی

نام آزمون	نام متغیر	آماره آزمون	سطح معناداری
	جریان غیرعادی وجوه نقد عملیاتی	-۱۷/۴۱۸۶۲	۰/۰۰۰۰
	هزینه‌های غیرعادی تولید	-۱۸/۹۸۴۹۲	۰/۰۰۰۰
	هزینه‌های غیرعادی اختیاری	-۱۹/۲۰۷۲۴	۰/۰۰۰۰
	قابلیت مقایسه	-۲۰/۳۹۵۲۳	۰/۰۰۰۰
	اندازه شرکت	-۸/۵۳۹۷۰۵	۰/۰۰۰۰
ریشه واحد (دیکی فولر)	اهرم مالی	-۲۱/۴۱۸۴۹	۰/۰۰۰۰

۰/۰۰۰۰	-۱۵/۸۵۵۱۶	نرخ بازده دارایی
۰/۰۰۰۰	-۱۸/۶۲۳۸۳	کیفیت حسابرسی
۰/۰۰۰۰	-۶/۱۹۱۰۱۴	نوع صنعت

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به آماره آزمون و سطح معناداری محاسبه‌شده، یافته‌های حاصل از آزمون پایایی پژوهش بیانگر این است که میانگین و پراکنش متغیرهای پژوهش در گذر زمان ثابت و پایا هستند.

آزمون اف-لیمر
یافته‌های حاصل از آزمون اف^۰ لیمر پژوهش به شرح زیر است:

نگاره ۳. یافته‌های حاصل از آزمون اف-لیمر

فرض صفر	مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
عرض از مبدأ تمامی	مدل مربوط به فرضیه اول	۰/۹۲۸۳۱۵	۰/۶۴۸۶	پذیرش فرض صفر (داده‌های ترکیبی)
مقاطع با هم یکسان	مدل مربوط به فرضیه دوم	۱/۰۴۷۳۶۳	۰/۳۸۳۰	پذیرش فرض صفر (داده‌های ترکیبی)
است.	مدل مربوط به فرضیه سوم	۱/۰۵۷۲۲۷	۰/۳۶۲۷	پذیرش فرض صفر (داده‌های ترکیبی)

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به آماره آزمون و سطح معناداری محاسبه‌شده مقاطع مورد بررسی همگن و دارای تفاوت‌های فردی نبودند؛ بنابراین، استفاده از روش داده‌های ترکیبی برای مدل فرضیه‌های پژوهش مناسب است.

آزمون فرضیه اول
یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش به شرح زیر ارائه می‌شود:

نگاره ۴. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش

نام متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره آزمون	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۰۳۱۰۵۶	۰/۰۷۴۰۲۱	۰/۴۱۹۵۶۰	۰/۶۷۵۰
قابلیت مقایسه	۰/۲۷۵۵۳۶	۰/۱۱۴۱۸۵	۲/۴۱۳۰۶۹	۰/۰۱۶۳
اندازه شرکت	۰/۰۰۶۷۷۱	۰/۰۰۵۴۵۰	۱/۲۴۲۲۵۸	۰/۲۱۴۹
اهرم مالی	-۰/۱۳۵۴۵۸	۰/۰۴۴۳۱۰	-۳/۰۵۷۰۸۵	۰/۰۰۲۴
نرخ بازده دارایی	۰/۵۶۲۰۰۳	۰/۰۶۰۸۰۲	۹/۲۴۳۱۴۱	۰/۰۰۰۰
کیفیت حسابرسی	-۰/۰۰۰۷۹۷	۰/۰۱۶۸۷۵	-۰/۰۴۷۲۵۵	۰/۹۶۲۳
نوع صنعت	-۰/۰۵۵۰۲۵	۰/۰۱۴۹۳۴	-۳/۶۸۴۵۳۸	۰/۰۰۰۳
ضریب تعیین:	ضریب تعیین	آماره آزمون:	سطح معناداری:	آماره دوربین ^۰ واتسون:
۰/۳۲۵۸۷۰	تعدیل شده: ۰/۳۱۵۷۰۷	۳۲/۰۶۵۰۲	۰/۰۰۰۰	۲/۰۴۵۴۵۱

منبع: یافته‌های پژوهش

سطح معناداری برای تک‌تک متغیرها و همچنین برای کل مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل برازش شده، می‌توان ادعا کرد که ۳۱ درصد از

تغییرات متغیر وابسته فرضیه اول پژوهش باکمک متغیرهای مستقل و کنترل توضیح داده می‌شود. خودهمبستگی نقض یکی از فرض‌های استاندارد الگوی رگرسیون است و از آماره دوربین- واتسون می‌توان برای تعیین بود و نبود خودهمبستگی در الگوی رگرسیون استفاده کرد. آماره دوربین^۵ واتسون محاسبه شده (۲/۰۴۵) که بین ۱/۵-۲/۵ است، بیانگر عدم وجود خودهمبستگی است و استقلال باقی مانده‌های اجزای خطا را نشان می‌دهد. همان‌طور که در نگاره ۴ مشاهده می‌شود، سطح معناداری آماره t برای متغیر قابلیت مقایسه از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد کمتر است؛ بنابراین، وجود رابطه مستقیم و

معنادار بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و جریان غیرعادی وجوه نقد عملیاتی تأیید می‌شود و فرضیه اول پژوهش پذیرفته می‌شود. از بین متغیرهای کنترلی اهرم مالی ارتباط معکوس و معنادار و نرخ بازده دارایی ارتباط مستقیم و معنادار و سایر متغیرهای کنترلی بدون ارتباط معناداری هستند. همچنین، نوع صنعت نیز مد نظر گرفته شد.

آزمون فرضیه دوم

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر ارائه می‌شود:

نگاره ۵. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش

نام متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره آزمون	سطح معناداری
$R-Prode_{it} = \beta_0 + \beta_1 Comparability_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Leverage_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 Audit Quality_{it} + \beta_7 Industry_{it} + \beta_{ii}$				
مقدار ثابت	-۰/۱۷۶۱۸۸	۰/۱۵۱۵۴۲	-۱/۱۶۲۶۳۹	۰/۲۴۵۷
قابلیت مقایسه	۰/۱۶۱۹۴۳	۰/۰۸۸۲۷۵	۳/۳۲۹۰۰۳	۰/۰۰۲۳
اندازه شرکت	۰/۰۰۸۶۳۲	۰/۰۰۸۷۴۶	۰/۹۸۶۹۲۱	۰/۳۲۴۳
اهرم مالی	۰/۱۷۹۴۲۱	۰/۰۵۱۳۱۰	۳/۴۹۶۸۰۹	۰/۰۰۰۵
نرخ بازده دارایی	-۰/۶۷۲۱۴۶	۰/۰۷۰۸۲۲	-۹/۴۹۰۵۹۳	۰/۰۰۰۰
کیفیت حسابرسی	۰/۰۱۴۷۵۸	۰/۰۱۹۶۳۲	۰/۷۵۱۷۲۶	۰/۴۵۲۷
نوع صنعت	۰/۰۰۱۸۵۶	۰/۰۱۷۳۸۴	۰/۱۰۶۷۴۰	۰/۹۱۵۰
ضریب تعیین:	ضریب تعیین	آماره آزمون:	سطح معناداری:	آماره دوربین ^۵ واتسون:
۰/۳۱۶۶۱۸	تعدیل شده: ۰/۳۰۶۳۱۵	۳۰/۷۳۲۸۶	۰/۰۰۰۰	۱/۹۵۵۲۰۴

منبع: یافته‌های پژوهش

است و از آماره دوربین- واتسون می‌توان برای تعیین بود و نبود خودهمبستگی در الگوی رگرسیون استفاده کرد. آماره دوربین^۵ واتسون محاسبه شده (۱/۹۵۵) که بین ۱/۵-۲/۵ است، بیانگر عدم وجود خودهمبستگی است و استقلال باقی مانده‌های اجزای خطا را نشان می‌دهد. همان‌طور که در نگاره ۵ مشاهده می‌شود، سطح معناداری آماره t برای متغیر قابلیت مقایسه از

سطح معناداری برای تک تک متغیرها و همچنین برای کل مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل برازش شده می‌توان ادعا کرد که ۳۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته فرضیه دوم پژوهش باکمک متغیرهای مستقل و کنترل توضیح داده می‌شود. خودهمبستگی نقض یکی از فرض‌های استاندارد الگوی رگرسیون

متغیرهای کنترلی بدون ارتباط معناداری هستند. همچنین، نوع صنعت نیز مد نظر گرفته شد.

آزمون فرضیه سوم

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه سوم پژوهش به شرح زیر ارائه می‌شود:

سطح خطای قابل قبول ۵ درصد کمتر است؛ بنابراین، وجود رابطه مستقیم و معنادار بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و هزینه‌های غیرعادی تولید تأیید و فرضیه دوم پژوهش پذیرفته می‌شود. از بین متغیرهای کنترلی اهرم مالی ارتباط مستقیم و معنادار و نرخ بازده دارایی ارتباط معکوس و معنادار و سایر

نگاره ۶. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه سوم پژوهش

نام متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره آزمون	سطح معناداری
	$R-Disx_{it} = \beta_0 + \beta_1 Comparability_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Leverage_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 Audit Quality_{it} + \beta_7 Industry_{it} + \beta_{ii}$			
مقدار ثابت	۰/۰۵۹۰۷۱	۰/۰۳۱۲۷۴	۱/۸۸۱۷۹۷	۰/۰۵۹۶
قابلیت مقایسه	۰/۰۷۹۶۴۲	۰/۰۳۸۸۵۵	۲/۰۴۹۷۳۴	۰/۰۴۱۰
اندازه شرکت	-۰/۰۰۵۰۲۰	۰/۰۰۱۸۰۵	-۲/۷۸۱۱۷۹	۰/۰۰۵۷
اهرم مالی	۰/۰۲۱۹۴۲	۰/۰۱۰۵۸۹	۲/۰۷۲۱۵۱	۰/۰۳۸۹
نرخ بازده دارایی	-۰/۰۲۲۶۰۶	۰/۰۱۴۶۱۶	-۱/۵۴۶۷۰۴	۰/۱۲۲۷
کیفیت حسابرسی	-۰/۰۰۳۲۷۵	۰/۰۰۴۰۵۲	-۰/۸۰۸۴۰۴	۰/۴۱۹۳
نوع صنعت	-۰/۰۰۳۲۷۵	۰/۰۰۳۵۸۸	۳/۹۳۷۴۷۷	۰/۰۰۰۱
ضریب تعیین:	ضریب تعیین	آماره آزمون:	سطح معناداری:	آماره دوربین و واتسون:
۰/۰۸۸۴۸۵	تعدیل شده: ۰/۰۷۴۷۴۳	۶/۴۳۹۲۵۷	۰/۰۰۰۰	۲/۰۲۹۵۱۲

منبع: یافته‌های پژوهش

سطح معناداری آماره t برای متغیر قابلیت مقایسه از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد کمتر است؛ بنابراین، وجود رابطه مستقیم و معنادار بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و هزینه‌های غیرعادی اختیاری تأیید می‌شود و فرضیه سوم پژوهش پذیرفته می‌شود. از بین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت ارتباط معکوس و معنادار و اهرم مالی ارتباط مستقیم و معنادار و سایر متغیرهای کنترلی بدون ارتباط معناداری هستند. همچنین، نوع صنعت نیز مد نظر گرفته شد.

نتیجه‌گیری

مدیریت سود یا دستکاری سود، پدیده‌ای بین‌المللی برای گزارشگری مالی شرکت‌ها و یا

سطح معناداری برای تک‌تک متغیرها و همچنین برای کل مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل برازش شده می‌توان ادعا کرد که ۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته فرضیه سوم پژوهش با کمک متغیرهای مستقل و کنترل توضیح داده می‌شود. خودهمبستگی نقض یکی از فرض‌های استاندارد الگوی رگرسیون است و از آماره دوربین-واتسون می‌توان برای تعیین بود و نبود خودهمبستگی در الگوی رگرسیون استفاده کرد. آماره دوربین^۰ واتسون محاسبه شده (۲/۰۲۹) که بین ۱/۵-۲/۵ است، بیانگر عدم وجود خودهمبستگی است و استقلال باقی مانده‌های اجزای خطا را نشان می‌دهد. همان‌طور که در نگاره ۶ مشاهده می‌شود،

گزارش اطلاعات مرتبط با سود مطرح می‌شود. دلایل اصلی این امر، مطابقت عملکرد شرکت با انتظارات سهامداران و مطابق با الزام‌های اخذ مجوز مربوطه از قانونگذاران است. از این‌رو، مدیران در زمانی که قصد داشته باشند تصویر مطلوب‌تری به ذی‌نفعان ارائه دهند، دست به مدیریت سود می‌زنند. هدف این پژوهش، مطالعه تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مدیریت سود واقعی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس و اوراق بهادار تهران است. در راستای هدف پژوهش برای محاسبه متغیر قابلیت مقایسه از مدل دی‌فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) و برای محاسبه مدیریت سود واقعی از مدل توسعه‌یافته دچو و همکاران (۱۹۹۸) استفاده شد، مشابه آنچه در پژوهش روی چودھاری (۲۰۰۶) است. یافته‌های حاصل از پژوهش بیانگر این است که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر معیارهای مدیریت سود واقعی (جریان غیرعادی وجوه نقد عملیاتی، هزینه‌های غیرعادی تولید، هزینه‌های غیرعادی اختیاری) تأثیر مستقیم و معناداری دارد که مطابق با یافته‌های پژوهش کوهن و همکاران (۲۰۰۸) و سوهن (۲۰۱۶) است. به‌عبارتی، با افزایش قابلیت مقایسه‌پذیری، بین گزارش‌های مالی شرکت‌ها، امکان انتخاب و تصمیم‌گیری بهینه برای سرمایه‌گذاران بیشتر فراهم می‌شود؛ بنابراین، مدیران برای اینکه تصویر مطلوب‌تری از عملکرد شرکت خود ارائه دهند، اقدام به مدیریت سود واقعی می‌کنند؛ زیرا مدیریت سود واقعی از طریق فعالیت‌های واقعی مانند بهای فروش، شرایط اعتباری، میزان تولیدات و هزینه‌های پژوهش و توسعه نسبت به ارقام تعهدی حسابداری انجام می‌گیرد و کشف آن دشوارتر از مدیریت سود ارقام تعهدی است. همچنین، دستکاری فعالیت‌های واقعی

از طریق تولید بیش از اندازه از یک‌سو منجر به تغییرات غیرعادی در موجودی کالا و از سوی دیگر منجر به ایجاد هزینه تولید غیرعادی می‌شود. تولید بیش از اندازه با کاهش هزینه ثابت تخصیص‌یافته به محصولات، هزینه تولید را کاهش و حاشیه سود را افزایش می‌دهد؛ بنابراین، مدیران سعی می‌کنند با مدیریت سود واقعی عملکرد دوره جاری را بهتر نشان دهند، چراکه با افزایش قابلیت مقایسه عملکرد شرکت بیشتر در معرض تصمیم‌گیری ذی‌نفعان قرار گرفته است. به عبارت بهتر، با توجه به اینکه قابلیت مقایسه، سرمایه‌گذاران، سهامداران و کلیه ذی‌نفعان را در راستای تصمیم‌گیری کمک فراوانی می‌کند، وقتی قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بیشتر می‌شود، میزان استفاده گزارش‌های مالی به‌وسیله سرمایه‌گذاران بیشتر می‌شود و آنان بیشتر بر عملکرد جاری شرکت در اتخاذ تصمیمات اقتصادی آتی اتکا می‌کنند؛ از این‌رو، مدیران بیشتر انگیزه می‌یابند که اقدام به مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی کنند تا بتوانند عملکرد شرکت را بهتر جلوه دهند و با ارتقای جایگاه شرکت بین سهامداران که منجر به افزایش داد و ستد سهام و نقدشوندگی می‌شود، امکان تخصیص منابع را برای شرکت فراهم سازند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد در بین شرکت‌های ایرانی عضو بورس نیز این تأثیرگذاری برقرار است. در راستای یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود سود شرکت‌ها از لحاظ مدیریت و دستکاری از ابعاد هموارسازی یا مدیریت واقعی سودها به‌ویژه جریان غیرعادی وجوه نقد عملیاتی نیز تحلیل و بررسی شود. در راستای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود از سود فقط معیاری برای محاسبه قابلیت مقایسه

۶. مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی. (۱۳۹۲). کمیته تدوین سازمان حسابرسی، استانداردهای حسابداری، نشریه شماره ۱۶۰، چاپ ۲۳، تهران، انتشارات سازمان حسابرسی.

۷. مهرورز، فاطمه و محمد مرفوع. (۱۳۹۵). رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با آگاهی بخشی قیمت سهام در خصوص سودهای آتی. فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۲، شماره ۴۹، صص ۸۳-۱۱۰.

8. Barth, M., Landsman, W., & Lang, M. (2008). International accounting standards and accounting quality. *Journal of Accounting Research*, Vol. 46, Pp. 467° 498.

9. Barth, M., Landsman, W., Lang, M., & Williams, C. (2013). Effects on comparability and capital market benefits of voluntary adoption of IFRS by US firms: Insights from voluntary adoption of IFRS by non-US firms. Working paper, Stanford University.

10. Barth, M., Landsman, W., Lang, M., & Williams, C. (2012). Are IFRS-based and US GAAP-based accounting amounts comparable? *Journal of Accounting and Economic*, Vol. 54, Pp. 68° 93.

11. Chen, C.-W., Collins, D. W., Kravet, T. D., & Mergenthaler, R. J. (2014). Financial statement comparability and the efficiency of acquisition decisions. Working paper, University of Iowa.

12. Cohen, D., Dey, A., & Lys, T. (2008). Real and accrual-based earnings management in the pre- and post-Sarbanes-Oxley periods. *The Accounting Review*, Vol. 83, Pp. 757° 787.

13. Cohen, D., & Zarowin, P. (2010). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings. *Journal of Accounting and Economic*, Vol. 50, Pp. 2° 19.

14. Daske, H., Hail, L., Leuz, C., & Verdi, R. (2008). Mandatory IFRS reporting around the world: Early evidence on the economic consequences. *Journal of Accounting Research*, Vol. 46, Pp. 1085° 1142.

15. DeFond, M., Hu, X., Hung, M., & Li, S. (2011). The impact of mandatory IFRS adoption on foreign mutual fund ownership: the role of comparability.

صورت‌های مالی استفاده نشود و سایر معیارهای عملکرد نیز استفاده شود.

منابع

۱. ایزدی‌نیا، ناصر؛ دری سده، مصطفی و مسعود نرگسی. (۱۳۹۴). بررسی مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت واقعی سود در دوره‌های قبل و بعد از تصویب قانون بازار اوراق بهادار ایران. *مجله دانش حسابداری*، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۸۱ ° ۵۵.

۲. برزگر، قدرت‌اله؛ طالب تبارآهنگر، میثم و عصمت اصابت طبری. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط بین رقابت در بازار محصول و مدیریت سود. *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال ششم، شماره ۴، صص ۸۸ ° ۷۳.

۳. بهارمقدم، مهدی؛ حسینی‌نسب، حجت و هادی رئیسی. (۱۳۹۴). اثر نقدشوندگی بر آگاهی بخشی قیمت سهام و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی. *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال هفتم، شماره ۴، صص ۵۶ ° ۳۹.

۴. پورحیدری، امید؛ رحمانی، علی و رضا غلامی. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر مدیریت واقعی سود بر رفتار سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پیشرفت‌های حسابداری*، دوره پنجم، شماره اول، صص ۸۵ ° ۵۵.

۵. رهنمای رودپشتی، فریدون؛ وکیلی‌فرد، حمیدرضا؛ لک، فضل‌اله و عبدالرضا محسنی. (۱۳۹۴). سبک حسابرس و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی. *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت*، سال هشتم، شماره ۲۵، صص ۴۷-۲۹.

27. Lang, M., Maffett, M., & Owens, E. (2010). Earnings comovement and accounting comparability: The effects of mandatory IFRS adoption. Working Paper, University of Rochester.
28. Li, F., Abeysekera, I., & Ma, Sh. (2011). Earnings management and the effect of earnings quality in relation to stress level and bankruptcy level of Chinese listed firms. *Corporate Ownership and Control*, Vol. 9, No. 1, Pp. 366-391.
29. Lin, H-W.W., Lo, H-Ch., & Wu, R-Sh. (2016). Modeling default prediction with earnings management, *Pacific-Basin Finance Journal*, In Press, Corrected Proof. Note to users, Available online 25 January.
30. Lo, K. (2008). Earnings management and earnings quality. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 45, No. 2-3, Pp. 350-357.
31. Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economic*, Vol. 42, Pp. 335° 370.
32. Schipper, K. (2003). Principles-based accounting standards. *Accounting Horizons*, Vol. 17, No. 1, Pp. 61-72.
33. Schipper, K. (1989). Commentary on earnings management. *Accounting Horizon*, December, Pp. 91-102.
34. Sohn, B.Ch. (2016). The effect of accounting comparability on the accrual_based and real earnings management, *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 35, No. 5, Pp. 513-539.
35. Zang, A. (2012). Evidence on the trade-off between real activities manipulation and accrual-based earnings management. *The Accounting Review*, Vol. 87, No. 2, Pp. 675° 703
- Journal of Accounting and Economic, Vol. 51, Pp. 240° 258.
16. De Franco, G., Kothari, S., & Verdi, R. (2011). The benefits of financial statement comparability. *Journal of Accounting Research*, Vol. 49, No. 4, Pp. 895° 931.
17. Engelberg, J., Ozoguz, A., & Wang, S. (2016). Know thy neighbor: industry cluster, information spillover and market efficiency. *Journal of Finance. Quant. Anal. (forthcoming)*
18. Ewert, R., & Wagenhofer, A. (2005). Economic effects of tightening accounting standards to restrict earnings management. *The Accounting Review*, Vol. 80, Pp. 1101° 1124.
19. Financial Accounting Standards Board, (2010). Statement of financial accounting concepts No. 8: Conceptual framework for financial reporting, Chapter 1: The Objective of General Purpose Financial Reporting, and Chapter 3: Qualitative Characteristics of Useful Financial Information. Norwalk, CT, September.
20. Francis, J., Allen, H., Rajgopal, S., & Amy, Y. (2008). CEO reputation and earnings quality. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 25, No. 1, Pp. 109-147.
21. Gong, G., Li, L., & Zhou, L. (2013). Earnings non-synchronicity and voluntary disclosure. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 30, No. 4, Pp. 1560° 1589.
22. Harris, M., & Muller, K. (1999). The market valuation of IAS versus US-GAAP accounting measures using Form 20-F reconciliations. *Journal of Accounting and Economic*, Vol. 26, Pp. 285° 312.
23. International Accounting Standards Board, (2010). The conceptual framework for financial reporting 2010. IASB, London.
24. Kini, O., Mian, S., Rebello, M., Venkateswaran, A. (2009). On the structure of analyst research portfolios and forecast accuracy. *Journal of Accounting Research*, Vol. 47, Pp. 867° 909.
25. Kim, S., Kraft, P., & Ryan, S. (2013). Financial statement comparability and credit risk. *Review Accounting Studies*, Vol. 18, Pp. 783° 823.
26. Kim, J. B., Li, L., Lu, L. Y., & Yu, Y. (2016). Financial statement comparability and expected crash risk. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 61, No. 2-3, Pp. 294-312.